





دانشگاه آزاد اسلامی

واحد تهران مرکز

گروه نمایش هنر و معماری دانشکده

پایان نامه

(M.A) برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

گرایش: ادبیات نمایشی

عنوان:

دهه ۸۰ (پس از انقلاب) جامعه شهری ایران در ادبیات نمایشی

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر مجید سرسنگی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر رحمت امینی

پژوهشگر:

علیرضا نراقی

بهار ۹۱



معاونت پژوهش و فناوری

به نام خدا

مشور اطلاق پژوهش

بیاری از خداوند بجان و اعتماد به این که عالم محضر خداست و همواره ناظر بر اعمال انسان و به منظور پاس داشت مقام بلند دانش و پژوهش و نظر به اهمیت جایگاه دانشگاه اتمتلاهی فرهنگ و تمدن بشری، دانشجویان و اصحاب بیت علمی واحد های دانشگاه آزاد اسلامی متعهد می گردیم اصول زیر را در انجام

فعالیت های پژوهشی مد نظر قرار داده و از آن تخلفی نکنیم:

- ۱- اصل برانت: التزام به برانت جویی از هر گونه رفتار غیر حرفه ای و اعلام موضع نسبت به کسانی که حوزه علم و پژوهش را به مثابه های غیر علمی می آلائند.
- ۲- اصل رعایت انصاف و امانت: تعهد به اجتناب از هر گونه جانب داری غیر علمی و حفاظت از اموال، تجهیزات و منابع در اختیار.
- ۳- اصل ترویج: تعهد به رواج دانش و ارائه نتایج تحقیقات و انتقال آن به بهکاران علمی و دانشجویان به غیر از مواردی که منع قانونی دارد.
- ۴- اصل احترام: تعهد به رعایت حریم ها و حرمت ها در انجام تحقیقات و رعایت جانب تعدد و خودداری از هر گونه حرمت شکنی.
- ۵- اصل رعایت حقوق: التزام به رعایت کامل حقوق پژوهشگران و پژوهشگران (انسان، حیوان و نبات) و سایر صاحبان حق.
- ۶- اصل رازداری: تعهد به صیانت از اسرار و اطلاعات محرمانه افراد، سازمان ها و کشور و کلیه افراد و نهادهای مرتبط با تحقیق.
- ۷- اصل حقیقت جویی: تلاش در راستای پی جویی حقیقت و وفاداری به آن و دوری از هر گونه پنهان سازی حقیقت.
- ۸- اصل مالکیت مادی و معنوی: تعهد به رعایت کامل حقوق مادی و معنوی دانشگاه و کلیه بهکاران پژوهش.
- ۹- اصل منابع ملی: تعهد به رعایت مصالح ملی و در نظر داشتن پیشبرد و توسعه کشور و کلیه مراحل پژوهش.

## تعهدنامه اصالت پایان نامه کارشناسی ارشد

اینجانب علیرضا نراقی دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته به شماره دانشجویی جامعه: ۸۷۰۸۵۱۷۷۲۰۰ در رشته ادبیات نمایشی که در تاریخ ۱۳۹۱/۳/۲۸ از پایان نامه خود تحت عنوان شهری ایران در ادبیات نمایشی بعد از انقلاب (دهه ۸۰) دفاع نموده ام.

بدینوسیله متعهد می شوم:

- ۱- این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و ...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه های موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست ذکر و درج کرده ام.
- ۲- این پایان نامه قبلا برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی هم سطح، پایین تر یا بالاتر در سایر دانشگاهها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.
- ۳- چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هرگونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و ... از این پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.
- ۴- چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را بپذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدارک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی:

علیرضا نراقی

تاریخ و امضا:

## بسمه تعالی

در تاریخ ۹۱/۳/۲۸

دانشجوی کارشناسی ارشد آقای **علیرضا نراقی** از پایان‌نامه خود دفاع نموده و با  
و با درجه عالی مورد تصویب قرار گرفت. به حروف هجده تمام نمره ۱۸ **تمام**

امضاء استاد راهنما

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه .....
<b>فصل اول: کلیات طرح</b>	
۴	۱-۱ بیان مسئله .....
۵	۲-۱ پرسش های پژوهش .....
۶	۳-۱ فرضیه های پژوهش .....
۷	۴-۱ اهداف پژوهش .....
۸	۵-۱ اهمیت و ضرورت پژوهش .....
<b>فصل دوم: بررسی دیدگاه های علمی در حوزه جامعه شناسی شهری</b>	
۱۰	۲-۱ شهر پدیده ای جامعه شناختی .....
۱۰	۲-۱-۱ شهر یک محصول اجتماعی و اقتصادی است .....
۱۳	۲-۲ چند رویکرد در تحلیل جامعه شهری ایران .....
۱۳	۲-۲-۱ رویکرد چپ .....
۱۵	۲-۲-۲ دیدگاه راست (حوزه فکری جزیره -آنگلوساکسون) در تحلیل طبقاتی .....
۱۷	۳-۲ ایران جامعه ای کوتاه مدت .....
۱۸	۴-۲ خرده فرهنگ ها .....
۲۰	۴-۲-۱ ارتباط خرده فرهنگ با طبقه .....

## فصل سوم: ویژگی های جامعه شناختی طبقات، اقشار اجتماعی ایران پس از شناخت

۳-۱ جامعه ایرانی پس از انقلاب ..... ۲۴

۳-۲ سنت گرای و نوسنت گرایی در جامعه شهری ایران به منزله

نگاهی انتقادی به شهر مدرن ..... ۲۷

۳-۳ جامعه ایرانی ، تفکر احیای سنت و مدرنیته تحمیلی ..... ۲۹

۳-۴ ویژگی طبقات اجتماعی در ایران پس از انقلاب ..... ۳۱

۳-۵ زندگی روزمره جامعه ایرانی ( سبک زندگی ) ..... ۳۵

## فصل چهارم: جامعه ایرانی ، تئاتر : تئاتر اجتماعی

۴-۱ آیا می توان برای فهم زمانه و یافتن جامعه به

نمایشنامه های تولید آن جامعه رجوع کرد؟ ..... ۴۰

۴-۲ طبقه هنرمندان در ایران و رابط این طبقه به تولید آثارشان ..... ۴۱

۴-۳ نکاتی در باب جامعه شناسی تئاتر و تئوری های اصلی ..... ۴۴

۴-۴ مدل تطبیقی نظریه های بر عناصر درام ..... ۴۶

۴-۵ سابقه تئاتر اجتماعی در ایران ..... ۵۰

## فصل پنجم: بررسی جامعه شهری ایران پس از انقلاب اسلامی در گزیده ای از آثار

### نمایشنامه نویسان معاصر

- ۵-۱ اصول انتخاب نویسنده ها ..... ۵۵
- ۵-۲ توضیحاتی درباره نویسندگان انتخابی این تحقیق ..... ۵۷
- ۵-۳ کلیات و مفردات نمایشنامه های دهه هشتاد ..... ۶۵
- ۵-۳-۱ فضاهای انتزاعی ، مکان های غیر ایرانی ..... ۶۵
- ۵-۳-۲ فضاهای تاریخی و مکان های ایرانی ..... ۶۸
- ۵-۳-۳ مکان و فضای ایرانی معاصر ..... ۷۳
- ۵-۳-۴ ادراک از آدم ایرانی در شخصیت بازی ..... ۷۶
- ۵-۴ "می بوسمت ، واشک " ..... ۸۰
- ۵-۵ حقایقی درباره یک ماهی مرده نوشته محمد چرمشیر ..... ۹۰
- ۵-۶ شکلک : نغمه ثمینی ..... ۹۳
- ۵-۷ رازها و دروغ ها : نغمه ثمینی ..... ۹۸
- ۵-۸ خشکسالی و دروغ ..... ۱۰۹
- ۵-۹ ۷۷/۶/۳۱: علیرضا نادری ..... ۱۱۵
- ۵-۱۰ گفت و گو با محمد یعقوبی نویسنده اجتماعی بعد از انقلاب ..... ۱۲۴



فصل ششم : نتیجه گیری

۱-۶ نتیجه گیری ..... ۱۳۵

منابع ..... ۱۴۰

## مقدمه:

ادبیات نمایشی دهه هشتاد ایران دست کم در مورد متون نویسندگان مطرح و اجراهای تئاتر در مراکز اصلی اجرا با نگاهی کلی این نکته را نشان می دهد که جامعه ایرانی در ادبیات نمایشی این دهه یا اساساً نمود ندارد و یا اینکه نمودش پر لکنت و همراه با کنایه و عدم شفافیت است. همین عدم شفافیت مواجهه مستقیم تحلیلی و انتقادی را با جامعه دچار ابهام و یا اشتباه می کند.

نمونه ای از تئاتر های اجرا شده در یک سال تئاتر ایران ما را با نمونه هایی از آوانگارد گرایی نامربوط که بر آمده از نیازهای جامعه ایرانی و فهم انسان ایرانی نیست روبرو می کند. این ها در کنار انزوا طلبی خلاقانه خود نتیجه بی مسئله گری هنرمند و درام نویس است که محصولش بیرون آمدن مخاطب از تئاتر خواهد بود؛ تئاتری که از در نسبت با اجتماع خود خفته یا حتی مرده است. گویی تئاتر دیگر دغدغه ای برای بیان موضوعی به مخاطب ایرانی ندارد و دغدغه فرمیک او هم فکر شده و موقعیت شناسانه با توجه به تجربیات تاریخی تئاتر ایران و به طور کلان تر هنر و اساساً جامعه ایرانی نیست.

به نظر می رسد ابهام و عدم تشخیص دامنگیر اکثر متون درام نویسان ایرانی است که به تجربیات اجرایی هم کشیده می شود. به جز عده معدودی که شاید انگشتان یک دست را هم پوشش نمی دهند. در این ابهام البته محدودیت ها هم شاید بی تأثیر نبوده خاصه در دهه هشتاد؛ مسئله سانسور غیر روشمند و نا مشخص که همیشه بخشی از ابهامات و عدم شفافیت را به نویسندگان ایرانی تحمیل کرده به اندازه ای که اجباراً آثار با زندگی، تفکر و فضای روانی و وضع موجود آدم ایرانی فاصله گرفته است.

نمونه های مثبتی هم قطعاً در این دهه حضور داشته اند که تلاش خواهیم کرد نمونه هایی از کارهای آنها را هم ذکر کنیم و متونی برجسته از آنها را که در دهه هشتاد خلق شده مورد نقادی قرار دهیم. بدیهی است که

درک تفاوت کار و نگاه این نویسندگان در یافتن گره کلی ادبیات نمایشی دور مانده از اجتماع مؤثر خواهد بود.

واقعیت همیشه بخشی از درام را می‌سازد. اما صورت‌های تبیین واقعیت برای هر ملت در تولید هنری متفاوت است. واقعیت یک امریکای با واقعیت جهان هنرمند خاورمیانه‌ای متفاوت است. در واقع این تفاوت واقعیت و زاویه فهم و تفسیر یا حتی تقلید آن، رنگ هنر هر جامعه‌ای را متفاوت می‌کند و خود باعث ایجاد سبک‌ها، جریان‌ها، گونه‌ها و روندهای هنری می‌شود.

آلن رب‌گریه نویسنده فرانسوی معتقد بود که دغدغه واقعیت دغدغه همه هنرمندان است. حتی هنرمندان سورئالیست، او هر نویسنده‌ای را حتی آنان که غیر واقع‌گرا هستند را نویسندگانی می‌دانست که به دنبال بازتاب از یاد رفته‌های واقعیت‌اند. در واقع هنر مدرن دیگر اجازه اندیشیدن به آن واقعیت‌ناتورالیستی مطلق‌گرا و منجمد را که در حکومت‌های سوسیالیستی تجربه شد نمی‌دهد.

اما نبود جامعه در اثر نویسنده خاصه جامعه ایرانی در اثر نویسنده ایرانی که موضوع اصلی این تحقیق است چیست؟ چرا چنین چیزی منفی است نتیجه نبود جامعه ایرانی در درام نویسنده ایرانی چه بلایی را سر تئاتر و درام نویسی می‌آورد؟ برای گرفتن نتیجه این مسئله با توجه به فرضیه‌ها و سؤالات مطرحه که در ادامه خواهد آمد می‌توان به معضلات اساسی اشاره کرد.

# فصل اول

## کلیات طرح

## ۱-۱ بیان مسئله

شهر نقطه ای است که در آن سالن های مدرن تئاتر و تماشاخانه ها ساخته می شوند. مخاطبان تئاتر شهروندان هستند. روح جمعی تئاتر و مسائل اصلی آن مسائلی شهری است و انسان شهری علاوه بر اینکه اصلی ترین مخاطب تئاتر است مهمترین مضمون آن نیز هست. نمایش های زیادی در روستا و مناطق غیر شهری می گذرند اما تحلیل آنها و زاویه نگاه شان زاویه نگاه نویسنده-روشنفکر شهری است. مثال عمده و مهم این مسئله قطعاً غلامحسین ساعدی است که فهم روستایش از عقل انسان شهری و تحلیلی مدرن بر می آید نه دنیای محدود خود انسان غیر شهری.

بسیاری از متون نمایشی ایرانی فاقد ریشه های واقعی و تحلیل های اجتماعی هستند که اگر تبدیل به یک روند و اصل مکرر شود حتماً لطمات فراوانی دارد، از جمله مهمترین این نقص ها عدم پایگاه درست اجتماعی آثار و بی هویتی آن ها است. نمایشنامه نویسان ایرانی پس از انقلاب در اغلب موارد با دغدغه های فرمالیستی و ایده های غیر اجتماعی و تحلیلی دقیق از شرایط جامعه و در نگاهی کلان تر فقدان جهان بینی و دید نسبت به عالم بوده اند. نمایشنامه نویسان ایرانی اغلب شخصیت هایی خلق کرده اند که پایگاه و طبقه اجتماعی آنها مشخص و یا دقیق نیست، مسئله آنها قابل بازشناسی در جامعه نیست، آدم ایرانی با همه پیچیدگی های زیستی خود در اثر تجربه انقلاب و واقعی شدن یا شکست آرمان ها هیچگاه تام و تمام و همچون یک سند تاریخی در ادبیات نمایشی ایران حضور نداشته است. صرف واقع نمایی یا اتخاذ دیدگاه رئالیستی و شخصیت هایی با ظاهر یا حتی باطن واقعی یک نمایشنامه را سند و بازنمایی از جامعه ای که

در آن می زید نمی کند. بلکه نگرش اجتماعی و جهان بینی نمایشنامه نویس است که مهم است و جامعه را شناختنی می کند. آثار هنری مانند جامعه، پدیده ای در ظاهر بی شکل و چند وجهی هستند که با نقد و تحلیل و پژوهش نظام مند و دارای رویکرد قابل شناخت و فهم می شوند. پس همانطور که این پژوهش دارای رویکرد است نویسنده و نمایش نامه نویس اجتماعی هم باید دارای رویکرد باشد. لازم به وضوح است که رویکرد و جهان بینی الزاماً به معنای ایدئولوژی داشتن نویسنده نیست. کما اینکه نویسندگان ایرانی قبل از انقلاب مخصوصاً نویسندگانی با ایدئولوژی چپ رویکرد داشتند اما تحلیلشان با توجه به رویکرد این پژوهش دقیق و حتی واقعی نبوده است. اما خوب این حسن را داشت که بی رویکرد، خستی و بی هویت هم نبود.

## ۱-۲ پرسش های پژوهش

جامعه شهری ایران تا چه حد در ادبیات نمایشی دهه هشتاد دارای پایگاه بوده است؟

تا چه حد نمایشنامه نویسان ایرانی در تحلیل خود از متون نمایشی دارای رویکرد و جهان بینی مشخص و قابل بررسی بوده اند؟

نگرش نمایشنامه نویسان ایرانی و نمایشنامه های دهه هشتاد تا چه حد دقیق و هم خوان با جامعه شناسی تاریخی جامعه ایران بوده است؟

با خواند نمایشنامه های دهه هشتاد ایران چقدر جامعه شهری ایران برای مخاطب قابل بازشناسی می شود؟

### ۳-۱ فرضیه های پژوهش

جامعه شهری ایران اساساً در ادبیات نمایشی دهه هشتاد ظهور بارزی نداشته است. انتزاع گرایی، خارجی نویسی، کنایه ای بودن و عدم مسئله شفاف و همچنین نبود علم کافی در نگاه اجتماعی نمایشنامه نویس این دهه را نسبت به جامعه بی اعتنا کرده و اغلب نمایشنامه نویسان با فاصله گیری شبه نخبه گرا و در واقع انزوا طلبانه جامعه خود را ندیده اند و لذا حتی از نقدی اجتماعی عاجز بوده اند.

از دیگر سو آوانگارد گرایی (تجربه گرایی) بی ربط و بی مسئله که از دل جامعه ایرانی و زیباشناسی و تاریخ آن در ایران بیرون نیامده، یعنی تکامل خود را در ایران نیافته و ذهن مخاطب برای ارتباط با آن در پوچی مطلق و تهی بودگی قفل می شود نمونه ای دیگر از مشکل بی نمودی جامعه ایرانی در ادبیات نمایشی دهه هشتاد بوده است. آوانگارد گرایی نامربوطی که بر آمده از نیازهای جامعه ایرانی و فهم انسان ایرانی نیست و همچنین نتیجه یا واکنشی انتقادی به جریان یا روندی زیباشناسانه یا جهان شناسانه در درام نویسی ایرانی هم نیست بنابراین نه ربط مضمونی و موضوعی و برون متنی دارد و نه ارتباطی فرمیک، زیباشناسانه و سبکی، امری یک سره تقلیدی است که از فضای ذهنی مخاطب ایرانی بیرون نمی آید. این خود نتیجه بی مسئله هنرمند و درام نویس است که مسئله ای اجتماعی و دغدغه ای برای بیان موضوعی به مخاطب ایرانی ندارد و دغدغه فرمیک او هم فکر شده و موقعیت شناسانه با توجه به تجربیات تاریخی تئاتر ایران و به طور کلان تر هنر و اساساً جامعه ایرانی نیست.

لذا می توان به صورت گزاره فرضیه های پژوهش را اینگونه ذکر کرد:

جامعه شهری ایران در اغلب موارد پایگاهی در غالب نمایشنامه ها و نمایشنامه نویسان دهه هشتاد نداشته است.

عده معدودی از نمایشنامه نویسان معاصر در مجموع آثارشان دارای نگرش و جهان بینی مشخص بوده اند و اغلب فاقد زاویه دید واضح نسبت به جهان و جامعه خود هستند.

نمایشنامه نویسان اساساً فاقد نگاه تاریخی به جامعه شناسی ایران بوده و جامعه ایرانی را با انقطاع از آثار جامعه شناسانه تحلیل کرده اند.

اغلب از برآیند خواندن متون نمایشی دهه هشتاد تحلیلی دقیق از جامعه ایرانی بدست داده نمی شود.

## ۱-۴ اهداف پژوهش

از جمله مهمترین اهداف این پژوهش به شرح زیر است:

- ۱- تبیین اهمیت نگرش مشخص اجتماعی و شناخت جامعه برای نمایشنامه نویس در هنگام خلق اثر.
- ۲- توضیح درک نمایشنامه نویسان دهه هشتاد از جامعه ایرانی.
- ۳- نمایش این نکته که اثر نمایشی اصیل، پدیده ای است محصول وضعیت اجتماعی، سیاسی و فکری جامعه ای که در آن نوشته می شود.



## ۱-۵ اهمیت و ضرورت پژوهش

تا زمانی که نسبت ادبیات نمایشی و تئاتر ایران با پیرامون و جامعه ای که در آن تولید می شود و مردم و طبقاتی که برای آن اجرا می گردد روشن نشود، تئاتر در ایران در فضای مشارکتی ماهوی خودش که همانا ارتباط زنده با جمع است شناخته نخواهد شد. لذا درک جایگاه و پایگاه اجتماعی و ارتباط زنده با بافت شهری که عمده مخاطب تئاتر در آن پرورش پیدا می کند و یافتن تصویری که تا به امروز تئاتر از این جامعه داده است الزامی می نماید. برای این مهم ادبیات نمایشی دهه هشتاد و نهمین دهه و نهمین دهه انتخاب شده اند تا نتایج پژوهش دست یاب تر و ملموس تر باشند.

## فصل دوم

بررسی دیدگاه های علمی

در حوزه جامعه شناسی شهری

## ۱-۲ شهر پدیده ای جامعه شناختی

مفهوم شهری عموماً برای توصیف پدیده های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی به کار رفته است. ذیل "مفهوم شهری"، جامعه شناس یا پدیده های بسیار گوناگونی سر و کار پیدا می کند: شبکه های ارتباطی، خانه های شخصی، نوعی موسیقی، انجمن های محلی، بی نزاکتی، تکدی گری، آلودگی صوتی، حمل و نقل شهری، محل های ملاقات و غیره. در این پدیده ها عنصر اختصاصی شهری کدام است؟ تحت چه شرایطی جامعه شناسی ابزارهایی برای مطالعه این پدیده ها در اختیار پژوهشگران مسائل شهری می گذارد؟

### ۱-۱-۲ شهر یک محصول اجتماعی و اقتصادی است

در تعریف شهر یکی از نخستین راه های راه گشا تعریف و تبیین تفاوت ان با روستا خاصه اقتصاد روستایی است. در شهر جمعیت، کالاها، بنگاه ها متمرکز اما در ده پراکنده اند.

از دیگر سو شهر تولید کننده فرهنگ است، شیوه های زیستن، کار کردن یا مصرف کردن نتیجه شرایط محیط شهری است. در واقع شهر نشینی علاوه بر تأثر و تأثیر گذاری بر محیط، مرحله گذار از اجتماع مبتنی بر علقه های خونی به جامعه سازمان یافته مبتنی بر قرارداد است.

جریان فرهنگ گرایی در مطالعه شهر در دهه ۱۹۲۰ با مکتب اکولوژی شیکاگو نمایندگی می شود این رویکرد ویژگی های برخی مکان ها، شرایط تملک شهر توسط گروه های اجتماعی، نیازهای شهری غیر مادی شان را نشان داده اند.

شهر همیشه دارای عناصر بنیادینی است که آن را سازمان می دهند و هویت می بخشند. اولین عنصر بنیادین ایده نقشه شهر است این ایده بسیار بازتاب دهنده نیازهای شهری و انسانی است برای مثال نقشه پاریس بازتاب نیازهای جمعی مردم پاریس است یا نقشه شهرهای زاپنی به نوعی نمایشی از نوع مواجهه عمومی از مردم با خطر زلزله است. از عناصر بنیادین یک شهر که هویت ساز اند و فرهنگ عمومی را بازتاب می دهند می توان به نوع توزیع مشاغل و مسکن اشاره کرد. همین مشاغل و مسکن تقسیم بندی طبقات در شهر را نشان می دهند و اقشار اجتماعی و نوع ساز و کار اقتصادی و فرهنگی آنها را سامان می دهند. دیگر نکته شبکه های حمل و نقل است که در نظام شهری و ارتباطات شهری بسیار اساسی و جالب است. به نوعی نقطه تلاقی اجتماع همین شبکه های حمل و نقل عمومی است. از دیگر نکات پراکندگی مکان های تفریحی و مناطقی است که برای اوقات فراقت ترتیب داده می شود. این نکته علاوه بر مشاغل نبض فرهنگی شهر و نوع متفاوت زیست طبقات را در بهترین شکل نشان می دهد.

از همین عناصر می توان به راحتی پی به اهمیت مکان در جامعه شهری بود.

تصور پیگیری مسائل انسان جدید در هر مدیوم هنری و ژانر ادبی بدون در نظر گرفتن شهر و نسبت با آن ناممکن است. شهر جایگاه و محیطی است که انسان معاصر در آن تعریف و فهم می شود و بدون در نظر گرفتنش آنچه از انسان می گوئیم به انتزاعاتی بی ربط بیش نیست. مهمترین و بزرگ ترین جایگاهی که انسان را می سازد محیط و فضای شهری است. از طرف دیگر تئاتر اساساً در نگاه مبتنی بر درام یک پدیده شهری است و نهادی شهری محسوب می شود.